



یادداشت

وزارت صنعت، معدن و تجارت؛ مرکز مافیای اقتصادی دولت

مراد رضایی



وزارت صنعت، معدن و تجارت، از ۲۲ اردیبهشت سال جاری و پس از برکناری جنجالی رضا رحمانی، هنوز وزیر ندارد و توسط سرپرست اداره می‌شود. سرپرستی این وزارتخانه تا مردادماه بر عهده حسین مدرس خیابانی بود. قائم مقام پیشین وزارت صمت که پس از معرفی به مجلس به عنوان وزیر صمت، نتوانست اعتماد نمایندگان را جلب کند.

اصل صدوسی و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌گوید «رئیس‌جمهور می‌تواند برای وزارتخانه‌هایی که وزیر ندارند حداکثر برای مدت سه ماه سرپرست تعیین نماید.» و آئین‌نامه‌ی داخلی مجلس نیز تمام تصمیمات و عملکرد سرپرست یک وزارتخانه پس از سه‌ماه را غیر قانونی می‌داند. اما از آنجایی که حاکمیت قانون، ولو همین قوانین ناقص مصوب درون جمهوری اسلامی، توسط حاکمان به رسمیت شناخته نمی‌شود، میان‌بر حکم حکومتی، همواره به عنوان یک عملگر فراقانونی می‌تواند قوانین را دور بزند. بنابراین با حکم حکومت رهبر جمهوری اسلامی، سرپرست جدید وزارت صمت به کار خود ادامه می‌دهد.

تضاد و تعارض سیاسی مجلسی که با کمترین میزان رای ممکن تشکیل شده است و دولت حسن روحانی، از زمان برگزاری انتخابات مجلس محرز بود. از طرفی بحران اقتصادی فاجعه‌بار جاری، که قانداً باید حداقل موجب شرم حاکمان بشود، به ابزاری برای دعوای جناحی تبدیل شده است. دولت، سنگ‌اندازی محافظه‌کاران و تأثیر رفتارهای آنها بر تشدید تحریم‌ها را دلیل بحران اقتصادی معرفی می‌کند و در بورس و دلالتی دنبال منجی برای اقتصاد است و مجلس، به ریاست محمدباقر قالیباف، گرایش‌های سیاسی دولت، عدم پافشاری بر آمل هسته‌ای و ناکارآمدی دولت را دلیل بحران می‌داند. در چنین وضعیتی، طبیعی است که اولین حملات مجلس پس از تشکیل متوجه وزارت صمت باشد. بنابراین دولت این وزارتخانه را با سرپرست اداره می‌کند که مجال سوال و استیضاح را از مجلس بگیرد!



رضا رحمانی، وزیر ضد صنعت

دروان وزارت رضا رحمانی و اتفاقات پیرامون برکناری او از وزارت صمت، بسیار مشابه دوران پیش از وزارت اوست؛ مملو از رانت، فساد اقتصادی و لابی گسترده.

کارمند وزارت صنایع و معادن در تبریز، معاون منابع انسانی گروه صنعتی تراکتورسازی تبریز، مدیر کل امور اداری-مالی استانداری آذربایجان شرقی، و مدیر عاملی کارخانه آلومینیوم ایران، پله‌های آغازین ترقی رضا رحمانی بوده است. رحمانی که سابقه‌ی سه سال نمایندگی مجلس از حوزه‌ی انتخابیه‌ی تبریز، آذرشهر و اسکو را نیز در کارنامه‌ی خود دارد، در تمام کسوت‌های پیشین خود رد پای از فساد را بر جای گذاشته است.

از مهم‌ترین مصادیق فساد مالی او در دوران وزارت، موضوع صورت‌های مالی شرکت‌های ایران‌خودرو و سایپا است که یک کلاهبرداری بزرگ و از دلایل صعود شدید قیمت خودرو محسوب می‌شود. در ماجرای دستکاری صورت‌های مالی این دو شرکت دولتی، قیمت فروش خودروها در صورت‌های مالی، یک سوم قیمت فروش وارد شده بود و دوسوم مبلغ فروش‌ها طبق روال اختلاس‌های بزرگ «گم شده» است. با علنی شدن این فساد گسترده مدیر عامل ایران‌خودرو بازداشت شد.

همچنین در دوران وزارت رضا رحمانی، اسنادی از رشوه‌های پرداختی او به نمایندگان مجلس منتشر شدند. این رشوه‌ها شامل پرداخت پول، فرستادن نمایندگان به سفر خارج از کشور و استخدام فرزندان آن‌ها در وزارت صنعت بود. در یکی از معروف‌ترین نمونه‌ها، رضا رحمانی، موید حسینی صدر نماینده پیشین خوی در مجلس شورای اسلامی در دوره‌های هشتم و نهم را که با هم در کمیسیون صنایع و معادن مجلس عضو بودند، به مدیر عاملی «هلدینگ بین‌المللی آستوتک» گمارد. مقر اصلی این شرکت وابسته به وزارت صمت در آلمان واقع شده است و موید حسینی در تلاش برای اخذ اقامت آلمان به جعل مدارک متهم شد. صلاحیت حسینی صدر برای شرکت در انتخابات دوره یازدهم مجلس به دلیل داشتن پرونده باز اتهاماتی در شورای نگهبان رد شد.

آقای وزیر سابق که بخش عمده‌ی توان خود را صرف لابی‌گری در مجلس و همچنین اختلاس کرده بود، در تبدیل صنعت و معدن به یک ویرانه نقش اساسی داشت. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران از کارنامه‌ی اقتصاد ایران تا پایان پاییز پارسال، بخش صنعت از بهار ۹۷ تا پاییز ۹۸، نرخ رشدی یکسره منفی را تجربه کرده است. بخش معدن نیز با پنج فصل متوالی رشد منفی روبرو بود. در این دوره زمانی در مقاطع مختلفی قیمت برخی کالاهای اساسی با افزایش شدید همراه شد و ناتوانی وزارت صمت در تنظیم بازار به موضوع اول در حوزه اقتصاد بدل شد.

برکناری او از مسند وزارت هم ماجرای شبیه به دوران مدیریت او دارد. با توجه به روی کار آمدن مجلسی که معلوم بود به دلایل سیاسی، قصد نطق کشیدن از دولت را دارد، حسن روحانی به صرافت پیشنهاد استعفا به رحمانی افتاده بود. اما با توجه عدم قبول این استعفا، روحانی وزیر صمت را با نامه‌ای برکنار کرد. رضا رحمانی در نامه‌ای که به همین مناسبت به حسن روحانی نوشته و منتشر کرده است می‌گوید: «حتماً مستحضری در تاریخ ۱۷/۲/۹۹ جناب آقای واعظی با اینجانب تماس و تهدید کردند در صورت رای نیابردن طرح تشکیل وزارت بازرگانی در مجلس شورای اسلامی شما برکنار خواهید شد و لازم است در این فرصت با لابی، نمایندگان خصوصاً نمایندگان آذری زبان را قانع و برای این طرح رای بگیرید. بنده هم عرض کردم مجلس که زیر نظر



بنده نیست و بنده مشکلی با موضوع ندارم.» وی در واقع به تلویح، نقش خود در لابی‌گری با مجلس را تایید کرده است. او همچنین در مورد عدم استعفا می‌نویسد: «امروز ۲۲/۲/۱۳۹۹ که اینجانب در جلسه توسعه صادرات دفتر معاون اول محترم حضور داشتم مجدداً جناب آقای واعظی تماس گرفتند و اعلام نمودند استعفا بدهم. به استحضار می‌رساند اینجانب حجت شرعی برای استعفا نمی‌بینم.» اما در نهایت دولت «حجت شرعی» را با برکناری به او نشان داد!

حسین مدرس خیابانی؛ معرفی یک وزیر برای رای نیلوردن!

حسن روحانی دقیقاً در آخرین روز مهلت دولت برای معرفی وزیر صمت به مجلس، حسین مدرس خیابانی را برای گرفتن رای اعتماد نمایندگان به مجلس فرستاد. مدرس خیابانی پس از برکناری رضا رحمانی سرپرستی وزارت صمت را بر عهده داشت. در نتیجه دولت می‌توانست پیش از پایان موعد هم او را به مجلس معرفی کند. اما از آنجایی که هدف دولت روحانی، خالی گذاشتن صندلی وزارت صمت بود، حسین مدرس خیابانی در دقیقه‌ی نود به مجلس معرفی شد.

از طرف دیگر طبق آیین‌نامه‌ی مجلس، علاوه بر وزیر معرفی شده، رئیس جمهور نیز باید برای دفاع از وزیر پیشنهادی در مجلس حاضر شود. اما در روز معرفی حسین مدرس خیابانی، حسن روحانی به مجلس نرفت و اسحاق جهانگیری را به نیابت از خود برای انجام این کار به مجلس فرستاد. نمایندگان هم روی خوشی به جهانگیری نشان ندادند و با استناد به آیین‌نامه، مانع از سخنرانی او شدند.

حسین مدرس خیابانی، از نیروهای نزدیک به اصلاح‌طلبان در وزارت صنایع بود که حتی در سال ۸۸ سابقه‌ی دستگیری هم داشت. بنابراین خیلی طبیعی بود که مجلس تا بن دندان اصول‌گرای فعلی به او رای اعتماد ندهد و وزارتخانه‌ی صنعت، معدن و تجارت طبق تمایل روحانی بی‌وزیر باقی بماند. علاوه بر این روحانی با معرفی به عنوان وزیر، بر بخشی از انتقادات اصلاح‌طلبان در مورد عدم حضور وزیران اصلاح‌طلب در کابینه سرپوش گذاشت. سه تیر با یک نشان!

رزم‌حسینی، یک مفسد جدید برای وزارت صمت

علیرضا رزم‌حسینی قائم‌مقام پیشین قاسم سلیمانی و پایه‌گذار «بنیاد حفظ و نشر آثار و ارزش‌های دفاع مقدس» کاندیدای بعدی دولت برای وزارت صمت است. یکی از آخرین مسئولیت‌های اجرایی رزم‌حسینی، پنج سال استانداری در کرمان است. همان زمان هم با حفظ سمت، نمایندگی شرکت کاترپیلار آمریکا را در ایران داشت. شرکت کاترپیلار بزرگ‌ترین تولیدکننده ماشین‌آلات سنگین عمرانی، ماشین‌آلات استخراج معدن، موتورهای دیزلی، موتورهای گازسوز، موتورهای درون‌سوز، لوکوموتیوهای دیزلی-الکتریکی و توربین‌های گازی می‌باشد. سهام این شرکت در بازار بورس نیویورک معامله می‌شود، همچنین به‌عنوان جزئی از شاخص‌های میانگین صنعتی داو جونز و اس اند پی ۵۰۰ به‌شمار می‌آید. رزم‌حسینی به دلیل دسترسی آسان به معادن، از نمایندگی این شرکت، برای پیشرفت امکانات حفاری معدن‌های تحت تصاحب خود استفاده می‌کرد.



در خرداد سال ۱۳۹۷، رزمحسني از استانداری کرمان استعفا می‌دهد. او دلیل این استعفا را مشکلات خانوادگی عنوان می‌کند. اما مدتی بعد خبری مبنی بر دستگیری او به همراه چندین نفر دیگر از کارکنان استانداری کرمان در هنگام فرار از کشور به جرم قاچاق و فساد اقتصادی منتشر شد. خبری که ابتدا فارس‌نیوز آن را منتشر کرد. اما ساعتی بعد با انتشار تکذیبیه‌ای آن را از روی خروجی سایت خود حذف کرد! در عین حال مدتی بعد مشخص شد آقای استاندار سابق، که تمام اعضای خانواده‌اش در کانادا زندگی می‌کنند، برای رتق و فتق امور مالی شرکت‌اش در کانادا، به این کشور سفر کرده است. مشکل خانوادگی او ظاهراً محدود شدن امکان رفت و آمد به کانادا بوده است!

رزمحسني پس از بازگشت از کانادا، اینبار استاندار خراسان رضوی می‌شود. یکی از ثروتمندترین استان‌های کشور، سکوی پرتاب ابراهیم رئیسی، رئیس فعلی قوه قضاییه، و منطقه‌ای تحت حاکمیت علم‌الهدی، امام جمعه‌ی مشهد.

چنین به نظر می‌رسد که تبدیل شدن وزارت صمت به مرکز فساد در جمهوری اسلامی به یک روال علنی تبدیل شده است. اگر در گذشته اختلاس و فساد اقتصادی در خفا انجام می‌شد، امروز دولت به راحتی نشان‌دارترین مفسدین اقتصادی را به عنوان وزیر صمت برمی‌گمارد.

وزارتی که مستقیم‌ترین تاثیر را چه در زمینه تولید و چه در زمینه مصرف در زندگی کارگران دارد، به مرکز مافیای اقتصادی تبدیل شده است. علیرضا رزمحسینی به احتمال بسیار زیاد، با رای اعتماد بالای مجلس راهی ساختمان وزارتخانه خواهد شد. به هر حال او سابقه‌ی رفاقت با قاسم سلیمانی را دارد و همین برای رای اعتماد مجلس کافی است. سوال اینجاست که چرا در مورد وزارتخانه‌ای که چنین ارتباط نزدیک و مستقیمی با معیشت کارگران دارد، از کارگران سوال نمی‌شود و اعتماد کارگران معیار انتخاب قرار نمی‌گیرد؟



به سرکوب سندیکاها کارگری پایان دهید!



اقتصاد شراکتی، آینده مشاغل و پساکسرمایه داری

آدام بوث



ما، در میانه دومین دهه از قرن ۲۱، در محاصره انبوهی از نوآوریهای تکنولوژیک قرار گرفته ایم: ماشینهای خودران، چاپگرهای سه بعدی، اینترنت اشیاء"، که امکان ارتباط انسانها و اشیاء را در سراسر دنیا با هم فراهم می آورد. اتوپيستهای تکنوکرات و سرمایه داران طرفدار آزادی فردی به ما وعده جهانی پروپیمان را می دهند: سیستم فوق مؤثر تولید و توزیع، یک زندگی سرشار از فراغت، ووو و اما واقعیت برای ۹۹ درصد از مردم چیست؟ بحرانهای محیط زیستی، رکود پردوام، و نابرابریهای گریه آور.

این پیشرفتهای تکنولوژیک برای اکثریت عظیم مردم موجب ارتقاء استانداردهای زندگی، دستمزدهای بالاتر، یا تقلیل ساعات کار هفتگی نشده اند. علیرغم پتانسیل حیرت آور علمی و تکنولوژیکی که در اختیار جامعه است، چشم اندازی برای حل بیشتر مسائل پایه ای – مثل بیماریها، فقر، بیخانمانی – دیده نمی شود.

قریب یک دهه پس از بحران اقتصادی جهانی در سال ۲۰۰۸، میلیونها انسان – با ناخشنودی بسیار از آنچه سرمایه داری می تواند در میانه دهه دوم قرن حاضر به آنها عرضه کند – به پاخاسته اند، سازمان یافته سر به شورش علیه حکومتها و برگزیدگانی برداشته اند که مدافع این سیستم فرسوده اند.

با این حال تبلیغات ادامه دارد. در سالهای پس از جنگ جهانی دوم، به اتکای پیشرفت جهشی در آن سالها و بر بستر صنعتی سازی و اتوماسیون گسترده، ادعا می شد که "ما دیگر همگی مان طبقه متوسط ایم." امروزه، علیرغم پیش بینی های غم انگیز بسیاری از اقتصاددانان جدی بورژوائی، به ما گفته می شود که "تغییر انقلابی بعدی بیخ گوش ماست. ما همگی مان به زودی سرمایه دارانی آزاد، مختار و کارآفرین خواهیم شد."

این افسانه ای است که در سراسر کشورهای پیشرفته سرمایه داری ظاهراً به عنوان شکل "نوینی" از اقتصاد که از خاکستر بحران ۲۰۰۸ سر برآورده، سرگردان است و نام اقتصاد شراکتی یا اقتصاد طبق درخواست را به خود گرفته است.

برخی ها، مثل همان اتوپيستهای تکنوکرات و سرمایه داران طرفدار آزادی فردی پیشگفته، خوشبینانه اعلام می کنند که ما شاهد تولد دورانی نوین و شاداب در حیات سرمایه داری هستیم. دیگرانی، مثل پائول میسون نویسنده



کتاب "پاسرمايه داری"، قدری هوشیارانه تر، تناقضی را که تکنولوژی نوین اطلاعات و اقتصاد شراکتی در محدوده های سرمایه داری – یعنی در محدوده های مالکیت خصوصی، تولید و مبادله کالائی و تولید برای سود – درگیر آن اند، برجسته می کنند.

اما واقعیت چیست؟ آیا اکنون ما فقط با انبوهی از خدمات طبق درخواست، یک "اپ"، یک کلیک، شاهد دوران نوینی بر بنیان تلفن هوشمند ایم؟ آیا اقتصاد شراکتی واقعاً مبین تغییراتی پایه ای در سازمان جامعه و شیوه های ساماندهی آن است؟ آیا ماهیت کار و شغل تنها مبتنی بر ترکیبی از تکنولوژی اطلاعاتی، اتوماسیون، کار شبکه ای پرچگال، تغییری اساسی رو به بهبود داشته است؟

فقط یک کلیک و خلاص

ایرانی ان بی و اوبر بهترین نمونه های شناخته شده اند. اما این فقط نوک کوه یخی است که وضع اقتصاد شراکتی یا اقتصاد طبق درخواست را ترسیم می کند. امروزه نه فقط می توان اتاق و کل آپارتمان و خانه را، بلکه می توان "همه چیز خدا" را از ماشین و دوچرخه گرفته تا ابزار و کتب درسی را اجاره داد.

همچنین این فقط سرویس تاکسی نیست که هر کس می تواند هر لحظه سفارش دهد، بلکه "اپ" های مختلف برای سفارش نظافتکار، مواد غذایی، غذای آماده، و تحویل اینها در عرض چند دقیقه دم درخانه، وجود دارند. به واقع شرکتی مثل "خرگوش وظیفه شناس" لشکری از وظیفه شناسان را گردآورده است تا انواع کارهای دستی را به شراکت با کسانی که خواهان این قبیل خدمات اند، انجام دهد: سوار کردن مبل و صندلی، تعمیر کامپیوتر، تحویل بسته های پستی، چمن زنی، ...

اقتصادهای شراکتی و طبق درخواست، اگرچه غالباً همراه با هم به کار گرفته می شوند، اما تفاوت های کلیدی روشنی با یکدیگر دارند. هر دو اصطلاح در دوره واحدی بر پایه گسترش تلفنهای هوشمند، "اپ" ها، و جمعیتی جوان، خبره تکنیک و به هم پیوسته سر برآوردند. اما اصطلاح اقتصاد شراکتی متمرکز است بر به اصطلاح "اشتراک" کالاها، در حالی که اقتصاد طبق درخواست ناظر بر سرویسهای "طبق درخواست" است.

پتانسیل انقلابی که توسط این قبیل تکنولوژیها و مدل های کسب و کار عرضه می شود، واضح است. ما می توانیم به جای تولید بیهوده خانه، ماشین و دیگر کالاها، که فقط در بخشی از عمر مفیدشان مورد استفاده قرار می گیرند، منابع مان را به اشتراک بگذاریم و کارائی آنها را به حد اعلی برسانیم. همچنین با ایجاد این امکان که بتوانیم انبوهی از خدمات را فقط با فشار چند دکمه تلفن سفارش دهیم، می توان آن خدمات را به نحو مؤثری بر نیازهای کاربران منفرد منطبق کرد.

کار یا حقوق مکفی بیکاری برای بیکاران!



مهاجرین، سازماندهی و هژمونی گزینشی در منطقه آزاد اقتصادی جنوب شرق آسیا- مکونگ بخش ۱۱

دنيس آرنولد

مترجم: گودرز



نمونه های تایلند و مناطق مرزی میانمار (برمه)

طرح امنیت ملی و اجتماعی

مهاجران برمه ای بخش حساسی از اقتصاد تایلند را تشکیل می دهند اما به طور همزمان یک تهدید برای امنیت ملی تایلند هم به حساب می آیند. دولت تایلند قصد آن دارد تا نه تنها محل اقامت نیروی کار مهاجر را کنترل کند بلکه هرچه بیشتر روش زندگی و سیاست های امنیت اجتماعی آنها را نیز از هر سو در این رژیم کارگری بیوپولیتیک تحت کنترل داشته باشد. دسترسی مهاجرین برمه ای به تأمین اجتماعی بر رابطه رسمی قرارداد کارگر و کارفرما اتکا دارد. با وصل کردن ثبت نام مهاجران به هر نوع خدمات عمومی و تسهیلاتی که ممکن باشد رژیم امنیتی- هر دو امنیت ملی و امنیت اجتماعی - تور اطراف مهاجران را محکم کرده، آنها را ایزوله نموده و معنای بودن در یک قلمرو و در عین حال استثنا از شمول حوزه قضایی آن کشور را بازتعریف نموده است. به جای کالایی زدایی از نیروی کار، تأمین اجتماعی تایلند به کالایی شدن نیروی کار مهاجران با طراحی چارچوب های سیاسی که مشابه برده داری و اسارت نوین است، که در آن اطلاعات درباره و دسترسی به تأمین اجتماعی تماماً در اختیار کارفرما گذاشته شده است. این عملکرد دولت است که کنترل دولتی و قوه مجریه را بر سرنوشت کارگران تحکیم می نماید.

تایلند به سرعت تغییر می کند، ثبت نام کافکاگونه ی پناهندگان و پروسه تشخیص هویت - اولین بار اجرایی شده در ۱۹۹۲، پایه بنیادی دسترسی به خدمات اجتماعی در کشور است. بر طبق قانون مهاجران ثبت نام شده در تایلند به برنامه تأمین اجتماعی ملی دسترسی دارند که شامل بیمه درمانی، سهمیه برای مهد کودک و حمایت از اطفال، بیمه بازنشستگی و مرخصی زایمان، بیمه مرگ و صدمات و بیمه بیکاری نیز هست. دسترسی حقوقی به بیمه درمانی با توجه به انبوه مهاجران - نزدیک به ۲ میلیون از همه کشور های همسایه، میانمار، کامبوج و لاوس کار بسیار مهمی است. مهاجرانی که ثبت نام و راست آزمایی هویت ملی را تکمیل کرده اند و یا به تایلند بر اساس



یکی از توافقتنامه های بین دولت های همجوار وارد شده باشند مستحق دریافت مزایای تأمین اجتماعی و بیمه مصدومیت در محیط کار هستند که وسیله همان اداره تأمین اجتماعی عرضه می گردد. بنابراین بر روی کاغذ کارگران مهاجر از منافع یک سری خدمات اجتماعی بهره می برند که مشابه خدماتی است که شهروندان تایلند از آن استفاده می کنند. و اما عملاً در سال ۲۰۱۴ فقط ده درصد از مهاجران در سیستم تأمین اجتماعی ثبت نام شده بودند و ۹۰٪ بقیه تنها به اتباع تایلند عرضه شده بود.

بدلیل طبیعت کوتاه مدت قرارداد های کار و محدودیت دو تا چهار سال قرارداد، کارگران مهاجر از منافع دراز مدت محروم هستند. سومکیات چاوات سیرونگ وزیر دائم وزارت کار می گوید که مهاجران تنها اجازه دارند در تایلند به کار موقت اشتغال داشته باشند و به تشکیل خانواده و زندگی دائم در کشور بپردازند. او همچنین گفته است که مهاجران نمی توانند از حقوق ایام بیکاری استفاده کنند، زیرا که آنها باید طبق قانون ۷ روز بعد از بیکاری کشور را ترک کنند. مضاف بر اینها مهاجران بیشتر اوقات تنها مجاز به اشتغال در حرفی هستند که قانوناً شامل منافع تأمین اجتماعی نمی شوند: مانند ماهیگیری، صنایع زراعی، خدمات خانگی، و سایر کارهایی که قرارداد موقت و فصلی دارند. برای این کارگران در بخش خدمات غیررسمی که با یک تخمین محافظه کارانه نزدیک به دو میلیون نفر را شامل می گردد، هزینه های درمانی معمولاً از ترکیب درآمد های مختلف از جیب شان، و یا از کمک های خیریه بیمارستان ها، بیمه های درمانی خصوصی که کارگران مجبورند خودشان هزینه آن را ماهانه بپردازند و یا بیمه های محلی که در برخی ایالات و شهر ها ایجاد شده و یا مؤسسات غیرانتفاعی برای خدمت به پناهندگان که از کمک های مالی شهروندان و کلیساهای تأمین می گردند. تایلند یک سیستم بیمه درمانی سراسری در سال ۲۰۰۱ تأسیس نمود، و با وجودی که قانون بیمه درمانی عمومی کشور مدعی می شود که هر کس در تایلند زندگی می کند از آن منتفع خواهد شد، قرائت از قانون بر این منوال بوده است که فقط اتباع تایلند منظور از ساکنان کشور بوده است و نه لزوماً هر کس که به طور قانونی در تایلند زندگی می کند.



خصوصی سازی را متوقف کنید!



ملاحظات پیرامون نامه نگاری عضو رهبری شوراهای اسلامی به روحانی

صادق کار



حسین حبیبی عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار، اخیر با نوشتن نامه‌ای خطاب به روحانی ۱۰ خواسته را از رئیس جمهور طلب کرده است. او در نامه سرگشاده خود به روحانی از وی خواسته است به وزیران کار و مسکن دستور دهد درخواست های وی را عمل نمایند. ایلنا که متن این نامه سرگشاده را در دوم مهر منتشر کرد از قول وی نوشت

: " آقای رئیس جمهور شما در سخنرانی انتخاباتی خطاب به دولت قبل از خود گفتید با چه حقی هر روز دست تو جیب مردم می‌کنید و پول مردم را نصفش را برداشت می‌کنید... آقای روحانی شما هم که دارید همین کار را می‌کنید، منتهی چندین برابر بیشتر، همه چیز گران می‌شود ولی حقوق کارگر افزایش نمی‌یابد یا اگر افزایشی هم هست با این گرانی‌فروشی و تورم، قدرت خرید کارگر کاهش که نه صفر یا حتی منفی شده. دلار ۲۷ هزار تومان، خودرویی مانند پراید ۱۱۵ میلیون تومان، بنزین لیتری ۱۵۰۰ تومان، گوشت و مرغ و کره و تخم مرغ و میوه جات و حبوبات و لبنیات و مسکن و بهداشت و درمان و غیره هم که چند برابر شده؛ اینها دمار از روزگار کارگران درآورده و کارگران مانده‌اند بی پول و دست تنها در مقابل سرمایه‌داران!". حبیبی پس از این مقدمه خواسته‌های خود را که البته مشخص نیست، شخصی است یا به نیابت از سوی شوراهای اسلامی است را مطرح کرده است.

۱۰ خواست حبیبی از روحانی عبارت اند از: افزایش دستمزد کارگران و بازنشستگان در مهر ماه سال جاری، دستور به وزیر تعاون، کار و رفاه جهت تامین امنیت شغلی کارگران، پرداخت بیمه بیکاری بدون اخلاف به بیکاران کروناپی، تهیه مسکن مناسب و فعال کردن تعاونی های مسکن، فعال کردن تعاونی های مصرف، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، انعقاد درست قراردادهای کار و نظارت وزیر کار بر آنها، خارج کردن سازمان تامین اجتماعی از بورس، جلوگیری از آزار و اذیت بازنشستگان کارهای سخت و زیان آور، پرداخت بدهی دولت به سازمان تامین اجتماعی و تصویب آئین نامه تبصره ۱ ماده ۷ قانون کار.

مطالباتی که در این نامه درخواست شده‌اند تنها بخشی از مطالبات بی پاسخ مانده کارگران طی دوران ریاست جمهوری روحانی هستند. همین ها نیز بخشا نه صراحت دارند و نه وسایلی که برای انجام شان در نامه پیشنهاد



شده کارآمد هستند و افزون بر همه اینها راه کارهایی هستند که همگی از بوته تجربه ناموفق بیرون آمده‌اند. بعنوان مثال پیشنهاد حبیبی در مورد ترکیب کسانی که می‌خواهند آئین نامه تبصره یکم ماده ۷ قانون کار را تهیه کنند! حتی اگر پذیرفته شود، انتظار نمی‌رود که آن را به سود حقوق کارگران بنویسند. ترکیب پیشنهادی همان ترکیبی است که هم اکنون نیز حاکم است!

مطالبات بسیار مهمتری نیز وجود دارند که بخشی از آماج اعتراضات کارگری بوده و هستند، ولی آقای حبیبی آنها را در نامه‌اش درز گرفته و صلاح ندانسته مطرح شان کند. حق تشکل، لغو خصوصی سازی، برچیدن بساط شرکت‌های مفتخور پیمانکار و شرکت‌های دلال نیروی کار.... طی ۷ سال زمامداری روحانی هزاران اعتصاب و اعتراض برای اجرای این خواسته‌ها توسط کارگران در نقاط مختلف کشور صورت گرفته است که البته آقای حبیبی و شوراهایی اسلامی که ایشان هم یکی از رهبران آنهاست نقشی در آنها نداشته‌اند. صدها کارگر به دلیل شرکت در اعتصابات دوران روحانی بازداشت، ده‌ها تن به زندان و شلاق محکوم و بعضا نیز به زور شکنجه وادار به اعترافات تلویزیونی شده‌اند. صدها تن دیگر نیز از کار اخراج شده‌اند. هیچ یک از رهبران شوراهای اسلامی جز افراد مجازات شده نیستند زیرا نقشی نه در آنها و نه در نتایج شان داشته‌اند! در این مبارزات فداکارانه و پر هزینه دولت و سرمایه داران مجبور به پذیرش برخی از مطالبات کارگران شده‌اند که بعضا در نامه حبیبی هم مطرح شده‌اند. بعنوان نمونه طرح طبقه بندی مشاغل هم اکنون در شرکت‌های پیمانکار فعال در صنعت نفت و پتروشیمی‌ها در حال اجرا است. دستمزدهای کارگران پیمانی در تعدادی از آنها نیز افزایش یافته‌اند، همسان سازی در مورد بازنشستگانی که عضو تامین اجتماعی نیستند و بخشا در میان بازنشستگان تامین اجتماعی تا حدودی اجرا شده است. حبیبی و شوراهای اسلامی در این پیشرفت‌ها نه تنها نقش مثبتی نداشته‌اند، بلکه تلاش کرده‌اند در آنها اختلال به وجود بیاورند و هر گاه موفق به این کار نشده‌اند سعی کرده‌اند نتایج آنها را به سود خودشان مصادره کنند. به واقع طرح خواسته‌های دیر هنگام حبیبی از روحانی نظر به سوابق ایشان و شوراهای اسلامی تلاش مذبوحانه‌ی دیگری است جهت مصادره دست آوردهای مبارزاتی کسانی که این مبارزه را با دادن هزینه سنگین پیش برده‌اند.

قبلا نیز آقای حبیبی نامه‌های پر تمنا یی خطاب به ابراهیم رئیسی و رئیس دیوان عدالت اداری، که هر دوی آنها از سرسپرده‌ترین دشمنان عدالت و حقوق زحمتکشان هستند بهمین منظور نوشته بود که بی پاسخ ماندند!

درخواست از کسی مانند روحانی که پرونده نگینی در رواج بی قانونی، منجمد کردن دستمزدها، گسترش قراردادهای موقت، غارت و اختلاس اموال تامین اجتماعی، سرکوب تشکلهای مستقل کارگران، معلمان و روزنامه نگاران، واگذاری اموال عمومی به ابیادی و منصوبین حکومتی، از میان برداشتن قوانین حمایتی و.... دارد، مصداق بردن شکایت بره نزد گرگ است!

همانطور که نامه نگاری‌های حسین حبیبی و برخی دیگر از اعضای خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار و دخیل بستن آنها به قاضی القضاات جنایتکار حکومت برای لغو مصوبه ضد کارگری دیوان عدالت اداری و لغو مصوبه دستمزد ۹۹ ره بجایی نبردند، این نامه نیز ره بجایی نخواهد برد. و این چیزی نیست که آقای حبیبی و دیگر رهبران شوراهای اسلامی که خودشان در این قضایا و به فلاکت کشاندن کارگران و سرکوب شوراهای وسندیکاهای مستقل نقش داشته و دارند از آن بی اطلاع باشند! جنبش کارگری در حال اعتلا است. بهمین جهت سرکردگان تشکلهای کارگری دولتی به حرافی و مبارزه کلامی برای سرگرم کردن و به بیراهه بردن مبارزات



کارگران روی آورده‌اند. آنها مرتب آمار و ارقام در مورد بالا رفتن هزینه زندگی و تورم می دهند، به دولت بخاطر افزایش ندادن دستمزدها نق می زنند، به رئیسی نامه پشت نامه می نویسند، شکایت به دیوان عدالت می برند، نامه به روحانی می نویسند، ولی دریغ از انجام یک اقدام عملی جدی! به قول خودشان تشکل رسمی و قانونی هستند، ولی حتی برای یک بار هم که شده وقتی حرفهای شان ره بجایی نمی برد و مقامات دولتی برای حرفهایشان تره هم خرد نمی کنند، کارگران را به اعتصاب فرا نمی خوانند! اعتصاب شکنی کرده و می کنند، ولی اعتصاب هرگز! در هیچ کجای دنیا کارگران با حرافی و وراچی به حقوق شان نرسیده‌اند. در هر نقطه از جهان و در همین ایران هر گاه کارگران خودشان را در سندیکا ها و اتحادیه های واقعی متشکل کرده و مبارزه کرده‌اند توانستند به مطالبات شان برسند. تشکلهای وابسته به قدرت امثال خانه کارگر و شوراهاى اسلامى هم همیشه در روند مبارزات زحمت کشان اخلاص و در تحمیل بی حقوقی به کارگران به دولتها و کارفرمایان یاری رسانده‌اند.



دولت باید معاش تهی‌دستان و آسیب‌دیدگان از کرونا را

تامین کند!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



تجمع ۲۰۰ نفر از کارگران پالایشگاه آبادان، اعتراض و مخالفت کارگران کارخانه نساجی ایران پوپلین رشت به خصوصی سازی کارخانه، اعتصاب کارگران معدن سواد کوه، تجمع پرستاران و کادر درمانی بیمارستان ابن سینا در شیراز، تجمع کارگران کارخانه قند تربت جام، اعتراضات به پرداخت نشدن طلب مزدی کارگران و حق بیمه در ده ها موسسه مختلف مهمترین رویدادهای کارگری هفته بودند.

تجمع کارگران پالایشگاه آبادان نسبت به عدم اجرای صحیح طبقه بندی مشاغل

در ۳۰ شهریور ماه بالغ بر ۲۰۰ نفر از کارگران پیمانکار پالایشگاه آبادان در مقابل دفتر مرکزی پالایشگاه تجمع و نسبت به نحوه اجرای تبعیض آمیز و نادرست طرح طبقه بندی مشاغل که موجب پامال شدن بخشی از حقوق شان می شود، اعتراض کردند. کارگران معترض در تجمع شان خواستار اجرای طرح طبقه بندی و به نحوی شدند که حقوق آنها را تضعیف نکند. از نظر کارگران اجرای طرح طبقه بندی به دلیل عدم اعمال یکسان سازی حقوق در مورد کارگران پیمانی طی سالهای متوالی و نادیده گرفته شدن آن در طرح طبقه بندی باعث تضعیف حقوق شان می شود. شایان ذکر است که اجرای طبقه بندی مشاغل یکی از مطالبات کارگران است که کارفرمایان سالهاست از اجرای آن طفره رفته اند. هر گاه هم که در اثر فشار اعتراضات مجبور به اجرای آن شده اند با ترفندهایی تلاش کرده اند آن را به شکل ناقص اجرا کنند. اجرای طرح در شرکتهای پیمانکار فعال در صنعت نفت نیز پس از اعتصاب فراگیر ماه گذشته در مناطق نفتی جنوب کشور پذیرفته شد. با این همه صاحبان شرکتهای پیمانکار سعی می کنند آن را به صورتی اجرا کنند که کمترین هزینه را برای شان داشته باشد. این در حالی است که آنها طی چند دهه با عدم اجرای طبقه بندی که طبق قانون کار الزامی شده است، سودهای هنگفت اضافی به جیب زده اند. !

اعتراض و مخالفت کارگران کارخانه نساجی ایران پوپلین رشت به خصوصی سازی کارخانه تصویب مصوبه ی "کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید استانداری گیلان" مبنی بر قرارداد کارخانه نساجی ایران پوپلین در لیست واگذاری به بخش خصوصی موجب نگرانی و اعتراض کارگران این کارخانه شده است. کارگران که نگران آینده شغلی خود و نابودی کارخانه پس از افتادن کارخانه و زمینهای متعلق به آن به دست زمینخوران بیگانه با تولید و صنعت هستند، نسبت به این مصوبه از هم اکنون به اعتراض برخاسته اند.



اعتصاب کارگران معدن سواد کوه

کارگران معدن ذغال سنگ سوادکوه در ۳۱ شهریور در اعتراض نسبت به دستمزدهای زیر خط فقر و طفره رفتن کارفرما از اجرای صحیح طبقه بندی مشاغل در معدن اعتصاب نمودند. کارگران اعتصابی افزون بر آن به شرایط بد بهداشتی و نبود ایمنی در معدن که در گذشته نیز موجب رخ دادن حوادث در معدن شده اند معترض هستند. داشتن سرویس ایاب و ذهاب و دادن یک وعده غذای گرم از دیگر خواسته های کارگران معدن هستند. گفتنی است که انفجار پیاپی در هفته های گذشته در معدن هجدک و چند معدن دیگر در سرخس و کرمان به دلیل رعایت نشدن قوانین مربوط به ایمنی که باعث کشته و مصدوم شدن بیش از ۱۰ معدنچی در حین کار شد در بر انگیخته شدن اعتراض کارگران معادن نقش داشته است. بنا به اذعان مسئولین دولتی قوانین کار در زمینه بهداشت و ایمنی محل های کار در اکثر معادن رعایت نمی شوند و علت اصلی اکثر حوادث فزاینده شغلی و شمار قربانیان حوادث به همین علت است. اما با این وجود آنها هیچ اقدامی برای دگرگون کردن این وضعیت انجام نمی دهند! بهمین خاطر است که کارگران این معدن همچنین خواستار نظارت بر رعایت ضوابط ایمنی در محل کارشان هستند.

تجمع پرستاران و کادر درمانی بیمارستان ابن سینا در شیراز

پرستاران و کادر درمانی بخش پیوند اعضا بیمارستان ابن سینا نیز در دوم مهر ماه به دلیل تاخیر در پرداخت طلب های مزدی شان از کارفرما در مقابل دانشگاه علوم پزشکی شیراز دست به اعتراض زدند و خواستار پرداخت منظم و به موقع دستمزد و حقوق شان شدند.

تجمع کارگران کارخانه قند تربت جام به پرداخت نشدن منظم دستمزدها

کارگران کارخانه قند تربت جام در ۳۱ شهریور با برگزاری یک تجمع اعتراضی در مقابل اداره کار این شهر نسبت به پرداخت نکردن منظم طلب مزدی و رد نکردن پول حق بیمه شان به اعتراض برخاستند. به گفته "رضا توکلی" نماینده کارگران، کارفرما از سال ۹۷ نه طلب اضافه کاری آنها را پرداخت نموده و نه حق بیمه شان را رد کرده است. همچنین از شهریور ماه سال گذشته تا کنون طلب مزدی کارگران پرداخت نشده است. اعتراضات گسترده به پرداخت نشدن طلب مزدی کارگران و حق بیمه در ده ها موسسه مختلف اعتراضات متعددی دیگری نیز نسبت به پرداخت نکردن منظم و به موقع دستمزدها و رد نکردن حق بیمه در چند کارخانه و موسسه توسط کارگران از آن جمله در شرکت سازه کویر زابل، نساجی پاکان در تهران، کارگران اداره آبفا خلخال، "اداره آب و فاضلاب شهرستان خلخال"، شهرداری نوکنده، شهرداری شهرستان آغاچاری، شهرداری های استان گهگیلویه و بویر احمد، کارگران بخش حراست، انبار و تاسیسات پروژه قطار شهری اهواز، سایت مدیریت پسماند اهواز، کارگران انتقال آب سیستان، کارگران پروژه متروی اهواز، کارگران شرکت کیمیا طرح اسپادان یزد، در این هفته برگزار شد که البته شمار اعتراضات گزارش نشده در رسانه ها بسیار بیشتر از موارد نام برده است.

رشد فزاینده این گونه اعتراضات حاکی از گسترش بحران اقتصادی توأم با نارضایتی گسترده زحمتکشان از وضعیت وخمات بارو بحرانی کنونی دارد. همچنین این گزارشات نشان می دهند که ادارات و نهادهای دولتی و حکومتی نیز راه حل و برنامه ای برای برون رفت از وضعیت بحرانی کنونی ندارند و به سردواندن معترضین مشغول اند. شعب وزارت کار، استانداری ها و نهادهای امنیتی و قضایی نیز با اقدامات جانبدارانه و سرکوبگرانه ای که در قبال اعتراضات در پیش گرفته اند در واقع ناخواسته به آنها دامن می زنند. آنها فهم درک این واقعیت را که راه کارهای شان به بن بست رسیده است را ندارند. بهمین جهت اعتراضات علیه پرداخت نشدن دستمزدها در



شرایطی که قیمت ها ترمز بریده و ارزش دستمزدهای یک چهارم خط فقر بطور روزانه در حال سقوط هستند، دارند می روند که به یک چالش بزرگ بسیار فراتر از انتظارات حکومت تبدیل شوند. یکی از دلایل بی پاسخ ماندن این اعتراضات نبود تشکل سازمانگر و پراکندگی آنها در سطح کشور است. این در حالی است که با ایجاد تشکل در هر کدام از موسسات کاری و ایجاد فدراسیون های رشته ای می توان بر این معضل فائق آمد. مثلا کارگران شهرداری ها می توانند با تشکیل فدراسیون کارگران شهرداری ها خودشان را به صورت سراسری متشکل کنند و امکان رسیدن به مطالبات شان را چند برابر بیشتر کنند.

تجمع اعتراضی نمایندگان معلولان مقابل مرکز صدا و سیما

جمعی از ناشنوایان و فعالان حقوق معلولان بنا به نوشته ایلنا در ۲ مهر در اعتراض به اجرا نشدن ماده ۲۱ قانون حمایت از معلولان در مقابل صدا و سیما تجمع کردند. به نوشته ایلنا نماینده معلولین گفته است دوسال پیش نیز با ارسال نامه ای به مدیریت صدا و سیما این خواست خود را به اطلاع مسئولین صدا و سیما رسانده بودند، ولی جوابی در یافت نکردند. در واقع خواست معلولین یک خواست بدیهی و قانونی ست، که در بیشتر کشورهای جهان بدون نیاز به اعتراض اجرا می شود. منتهی در ایران رژیم حاکم است که مسئولین اش با زبان خوش حاضر به رعایت ابتدایی ترین حقوق شهروندان ولو اینکه در قانون خودشان هم تائید و تصویب شده باشد نیستند! آنها می خواهند مسئولین رادیو و تلویزیون ... " : که حداقل ۵ ساعت از برنامه های خود را در هفته به صورت رایگان به منظور آشنایی با حقوق معلولان اختصاص دهد و نسبت به زیرنویس کردن فیلم ها و برنامه های شبکه های مختلف، استفاده از رابط ناشنوایان و نیز بخش توصیف شنیداری فیلم ها جهت افراد ناشنوا اقدام کند. آیا این خواسته آنطور خواستی است که ۴۱ سال از عملی کردن اش خودداری کنند و کسانی مجبور شوند به رغم معلولیت به مدت ۴ ساعت مقابل ساختمان تلویزیون برایش تجمع کنند؟ یا از کرامات فقیه ما این است!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر**

ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>

کارگر زندانی آزاد باید گردد!